Journal of Intelligent Strategic Management
Vol(5), 485-522.
Bumara.ir

Identifying Factors Affecting Government Support Policies in the Development of Entrepreneurship in Knowledge-Based, Technological and Startup Companies

Amir Hosein Behboodi Yazdi — Department of Entrepreneurship, Qe.C., Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

Ali Shojaei Fard * — Associate Professor, Department of Management, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Mohammad Omid — Department of management, Qe.C., Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

Abstract

This study aims to achieve a comprehensive and in-depth understanding of the factors affecting government support policies in the development of knowledge-based, technological and startup companies with a qualitative research approach, which is classified as applied research in terms of purpose; the statistical population includes academic elites, government policymakers and managers, managers of supporting institutions, heads of science and technology parks, founders and successful managers of knowledge-based, technological and startup companies who have experience and knowledge in the field of the research subject. To select these individuals, a purposive snowball sampling method was used, and this process continued until theoretical saturation was reached. The main data collection tool was in-depth semi-structured interviews. To design the interview framework, a systematic review of scientific and policy sources related to government support for knowledge-based companies - especially start-ups and technology-based ones - was first conducted. The data from these interviews were analyzed using qualitative content analysis and an open, axial, and selective coding process using MaxQDA software. According to the research results, based on coding interview data with a data-based method and relying on the systematic approach of Strauss and Corbin, the following are; axial phenomena (1-intelligent and innovative support policies; 2-development of knowledge-based, technology-based and start-ups companies); causal factors (1-facilitating the growth process of innovative companies; 2-approval and facilitation of laws); strategies (1-development and growth of technology infrastructure; 2-coordination and synergy between actors); Contextual factors (1-Creation of economic, social and cultural value; 2-Optimal allocation of resources); Intervening conditions (1-Sabotage by foreign countries; 2-Structural weakness) and consequences (1-Uncertainties and complexity; 2-Elimination of structural barriers).

Keywords: Supportive policies, government, entrepreneurship development, knowledge-based companies, technology, startups

How to Cite: Behboodi Yazdi,A. H. , Shojaei Fard,A. and Omid,M. (2025). Identifying Factors Affecting Government Support Policies in the Development of Entrepreneurship in Knowledge-Based, Technological and Startup Companies. Journal of Intelligent Strategic Management .5(1), 485-522.
doi: 10.87453/bumara.2026.373601.4872

Intelligent Strategic Management (JISM) in Development and Evolution is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.
© Authors

* **Corresponding Author:** ashojaeifard@pnu.ac.ir

Original Research
Received: 2025/10/06
Review: 2025/12/11
Accepted: 2025/12/24
eISSN: 2891-4128

نشریه مدیریت استراتژیک هوشمند
دوره ۵، شماره ۱، بهار، ۱۴۰۵، ۵۲۲-۴۸۵
Bumara.ir

شناسایی عوامل اثرگذار بر سیاست های حمایتی دولتی در توسعه کارافرینی شرکت های دانش بنیان فناور و نوپا

امیر حسین بهبودی یزدی | گروه کارآفرینی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

علی شجاعی فرد* | دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

محمد امید | گروه مدیریت، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴
بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳
eISSN: 2891-4128

چکیده

این پژوهش با هدف دستیابی به درکی جامع و عمیق از عوامل اثرگذار بر سیاست‌های حمایتی دولتی در توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان فناور و نوپا با رویکرد تحقیق کیفی انجام شده است که از نظر هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد؛ جامعه آماری شامل نخبگان دانشگاهی، سیاست‌گذاران و مدیران دولتی، مدیران نهادهای حمایتی، روسای پارک علم و فناوری، موسسان و مدیران موفق شرکت‌های دانش‌بنیان فناور و نوپا می باشد که دارای تجربه و دانش در زمینه موضوع پژوهش هستند. برای انتخاب این افراد، از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی استفاده شد و این فرآیند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، با مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق صورت گرفت، برای طراحی چارچوب مصاحبه، ابتدا مرور نظام‌مند منابع علمی و سیاستی مرتبط با حمایت‌های دولتی از شرکت‌های دنش بنیان –خصوصا نوپا و فناور– انجام شد و داده‌های حاصل از این مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و فرآیند کدگذاری باز، محوری و انتخابی، به کمک نرم‌افزار مکس کیوداتحلیل شد. مطابق نتایج پژوهش براساس کدگذاری داده‌های مصاحبه با روش داده‌بنیاد و تکیه بر رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین عبارتند از؛ پدیده محوری(۱-سیاست‌های حمایتی هوشمندانه و نوآورانه؛ ۲-توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان فناور و نوپا)؛ عوامل علّی(۱-تسهیل فرآیند رشد شرکت‌های نوآور ؛ ۲--تصویب و تسهیل قوانین)؛ راهبردها(۱-توسعه و رشد زیرساخت های فناوری؛ ۲-هماهنگ‌سازی و هم‌افزایی بین بازیگران)؛ عوامل زمینه ای(۱-خلق ارزش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ ۲-تخصیص بهینه منابع)؛ شرایط مداخله گر(۱-کارشکنی کشورهای خارجی؛ ۲-ضعف ساختاری و پیامدها(۱-قطعیت‌های و پیچیدگی ؛ ۲-حذف موانع ساختاری).

کلیدواژه‌ها: سیاست های حمایتی، دولتی، توسعه کارافرینی، شرکت های دانش بنیان، فناور، نوپا

استناد به این مقاله: بهبودی یزدی، امیرحسین و شجاعی فرد، علی و امید، محمد . (۱۴۰۴). شناسایی عوامل اثرگذار بر سیاست های حمایتی دولتی در توسعه کارافرینی شرکت های دانش بنیان فناور و نوپا. مدیریت استراتژیک هوشمند, ۵(۱) , ۴۸۵-۵۲۲.

مدیریت استراتژیک هوشمند (JISM) در توسعه و تکامل تحت مجوز بین‌المللی کریتیو کامنز با شرایط انتساب-غیرتجاری ۴,۰ منتشر می‌شود.
©نویسندگان

* **نویسنده مسئول:** ashojaeifard@pnu.ac.ir

مقدمه

با ظهور اقتصاد دانش‌بنیان که بر پایه دانش و نوآوری استوار است، کارآفرینی فناورانه را به مثابه یک نیروی پیشران استراتژیک برای رشد اقتصادی پایدار و افزایش رقابت‌پذیری در سطح جهانی تثبیت کرده است. در این چشم‌انداز شرکت‌های دانش بنیان فناور و نوپا به عنوان طلایه‌داران این موج نوین، در کانون توجه قرار گرفته‌اند. این بنگاه‌ها، با اتکا به ایده‌های نوآورانه و دانش فنی پیشرفته، پتانسیل عظیمی برای ایجاد نوآوری‌های رادیکال، توسعه فناوری‌های نوظهور، و ارائه راه‌حل‌های خلاقانه برای چالش‌های ملی و جهانی دارند. با این حال، مسیر توسعه این شرکت‌ها، به ویژه در مراحل اولیه حیات خود (دره مرگ)، بسیار پرمخاطره است و با چالش‌های جدی همچون دسترسی محدود به سرمایه، عدم قطعیت‌های فناورانه و پیچیدگی‌های ورود به بازار مواجه می‌شوند (Wahab et al., 2024).

در چنین بستری، کارکرد دولت‌ها و سیاستهای حمایتی هوشمندانه آنها در پاسخ به آسیب‌پذیری‌ها و پرورش اکوسیستم کارآفرینی و نوآوری نقشی راهبردی و حیاتی است. این مداخلات، که طیف وسیعی از ابزارهای مالی و قانونی تا ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و مشاوره‌ای را شامل می‌شود، با هدف کاهش موانع ساختاری و تسهیل فرآیند رشد شرکت‌های نوآور طراحی می شوند (Zuniga, 2024).

سیاست‌گذاری برای کارآفرینی فناورانه، به خودی خود، حوزه‌ای بسیار پیچیده و چندوجهی است. این پیچیدگی از ماهیت پویای فناوری، عدم قطعیت‌های ذاتی بازار نوآوری، تنوع نیازهای شرکت‌های نوپا در مراحل مختلف رشد، و لزوم هماهنگی میان طیف وسیعی از بازیگران دولتی و خصوصی نشأت می‌گیرد (Nauwelaers & Wintjes, 2008). در زمینه خاص ایران، این پیچیدگی‌ها با چالش‌های فزاینده ای تشدید می‌شوند: شرایط خاص اقتصاد کلان (مانند نرخ تورم بالا و نوسانات ارزی که برنامه‌ریزی بلندمدت را برای شرکت‌های نوپا و فناور دشوار می‌سازد)، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی (که دسترسی به بازارها، فناوری‌ها، سرمایه و دانش فنی بین‌المللی را با موانع جدی مواجه می‌کند)، نیاز به تقویت زیرساخت‌های نهادی و قانونی (مانند نظام مالکیت فکری کارآمد و قوانین تجاری تسهیل‌گر)، و ضرورت ایجاد هماهنگی مؤثر و هم‌افزا میان دستگاه‌ها و نهادهای متعدد دولتی متولی امر نوآوری و کارآفرینی (که گاه با

تداخل وظایف یا ناهماهنگی در اجرا مواجه هستند) از جمله این موارد است (صالحی و همکاران، ۱۴۰۲؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰).

با این وجود، شواهد متعددی نشان می‌دهد که اثربخشی این سیاست‌ها یکسان نبوده و موفقیت آن‌ها به شدت به ویژگی‌های زمینه‌ای و نهادی هر کشور وابسته است. این بدان معناست که یک سیاست موفق در یک کشور، لزوماً در بافتار اقتصادی و اجتماعی کشوری دیگر کارآمد نخواهد بود.

این وابستگی به زمینه، شکاف معرفتی برجسته‌ای را در ادبیات پژوهشی آشکار می‌سازد. علی‌رغم اذعان گسترده به اهمیت این سیاست‌ها و با وجود پژوهش‌های متعدد در کشور، هنوز خلاء قابل توجهی در ارائه یک الگوی جامع، بومی و یکپارچه از مجموعه عوامل درهم‌تنیده‌ای که بر شکل‌گیری، اجرا، و اثربخشی این سیاست‌ها در زمینه‌های مختلف تأثیر می‌گذارند، احساس می‌شود. تحقیقات و مدل‌های موجود یا بر جنبه‌های خاص یا محدودی تمرکز دارند و یا به تعاملات پویا میان عوامل در سطوح مختلف شرایط توجه کافی نمی‌کنند و یا در لحاظ کردن ویژگی‌های منحصربه‌فرد اقتصاد ایران، به‌ویژه در زمینه تحریم‌های بین‌المللی و کارشکنی‌های هدفمند کشورهای غربی غفلت شده است. از این رو، نوآوری محوری و هدف اصلی این پژوهش، پر کردن این شکاف از طریق عبور از تحلیل‌های خطی و تک‌بعدی است. این پژوهش در صدد شناسایی عوامل کلیدی اثرگذار بر سیاست‌های حمایتی دولتی برای توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان فناور و نوپا در ایران است. همچنین این تحقیق، به دنبال ارائه یک پژوهش کاربردی است که نه تنها به درک عمیق‌تر سازوکارهای اثرگذاری سیاست‌ها کمک کند، بلکه به عنوان یک نقشه راه مبتنی بر شواهد، سیاست‌گذاران را در بهینه‌سازی مداخلات خود و تقویت پایدار اکوسیستم نوآوری و کارآفرینی کشور یاری نماید. لذا هدف این پژوهش شناسایی عوامل اثرگذار بر سیاست های حمایتی دولتی در توسعه کارافرینی شرکت های دانش بنیان فناور و نوپا است.

ادبیات پژوهش

در کُنش‌گاهِ پویا و رقابتی امروز اقتصاد جهانی، کارآفرینی به‌ویژه در قالب ساختار شرکت های فناورانه و نوپا، به مثابه موتورهای محرکه و یکی از پیشران‌های اساسی رشد اقتصادی، نوآوری و اشتغال‌زایی تخصصی شناخته می‌شود (Acs et al., 2017). این شرکت‌ها، که مشخصه بارز آن‌ها اتکای ذاتی بر فناوری‌های نوین، پتانسیل رشد سریع، و توانایی ایجاد

بازارهای جدید یا تحول در بازارهای موجود است، نقشی بی‌بدیل در تجاری‌سازی ایده‌های نو، به چالش کشیدن صنایع سنتی، و شکل‌دهی به آینده اقتصادی جوامع و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، توسعه پایدار و ایجاد اشتغال دانش‌پایه ایفا می‌کنند. گزارش دیده‌بان جهانی کارآفرینی برای سال ۲۰۲۳-۲۰۲۴ نشان می‌دهد که با وجود چالش‌های اقتصادی جهانی، فعالیت‌های کارآفرینانه در مراحل اولیه در بسیاری از اقتصادها همچنان پویا است و جوانان به طور فزاینده‌ای به سمت راه‌اندازی کسب‌وکار تمایل نشان می‌دهند (GEM, 2024). همچنین، سرمایه‌گذاری جهانی در فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی ، اینترنت اشیاء و فناوری‌های پایدار، با وجود نوسانات اقتصادی، همچنان مورد توجه جدی سرمایه‌گذاران قرار دارد، که نشان‌دهنده اعتماد به پتانسیل بلندمدت این حوزه‌هاست (Deloitte, 2024; Startup Genome, 2024). این روندها اهمیت روزافزون شرکت‌های فناور و نوپا را در شکل‌دهی به اقتصاد آینده بیش از پیش آشکار می‌سازد.

در این میان، نقش دولت‌ها در پرورش و حمایت از این اکوسیستم‌های نوآوری و شرکت‌های دانش‌بنیان، نقشی محوری و چندوجهی است. نظریه‌های اقتصادی و تجارب عملی کشورها نشان می‌دهد که دولت‌ها به دلایل مختلفی از جمله رفع شکست‌های بازار در حوزه تحقیق و توسعه (مانند عدم تقارن اطلاعات، سرریز دانش، ریسک بالای سرمایه‌گذاری در مراحل اولیه)، ایجاد کالاهای عمومی و زیرساخت‌های ضروری (مانند زیرساخت‌های علمی و فناوری، نظام مالکیت فکری کارآمد)، هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها و ایجاد هم‌افزایی بین بازیگران مختلف اکوسیستم (دانشگاه، صنعت، و نهادهای مالی)، و هدایت راهبردی توسعه فناوری در راستای اولویت‌های ملی و مزیت‌های رقابتی، در این حوزه مداخله می‌کنند (Mazzucato, 2013).

دولت‌ها با اتخاذ سیاست‌های حمایتی، نه تنها به دنبال جبران کاستی‌های بازار هستند، بلکه می‌توانند با ایجاد محیطی توانمندساز، ریسک‌های پیش روی کارآفرینان فناور را کاهش داده و انگیزه برای نوآوری و تجاری‌سازی فناوری‌های جدید را افزایش دهند. این مداخلات می‌تواند شامل حمایت‌های مالی مستقیم و غیرمستقیم، اصلاحات قانونی و مقرراتی، توسعه سرمایه انسانی، و تسهیل دسترسی به شبکه‌ها و بازارهای بین‌المللی باشد.

در نتیجه این اهمیت و با درک نقش حیاتی خود، دولت‌ها در سراسر جهان، از اقتصادهای توسعه‌یافته تا بازارهای نوظهور، با طراحی و اجرای سیاست‌های حمایتی متنوع، در پی

ایجاد زمینه برای شکوفایی و توسعه پایدار این شرکت‌ها هستند. این سیاست‌ها طیف وسیعی از اقدامات، از جمله حمایت‌های مالی و سرمایه‌گذاری (مانند وام‌های یارانه‌ای، سرمایه‌گذاری خطرپذیر دولتی، معافیت‌های مالیاتی)، تسهیلات قانونی و مقرراتی (مانند ساده‌سازی فرآیندهای ثبت شرکت، حمایت از مالکیت فکری)، توسعه زیرساخت‌های فناوری (مانند پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد)، ارائه خدمات مشاوره‌ای و آموزشی، و ایجاد شبکه‌های همکاری ملی و بین‌المللی را در بر می‌گیرد (OECD, 2021a).

با این حال، تخصیص منابع عمومی به این سیاست‌ها و انتظار نتایج مطلوب، همواره با چالش‌های قابل توجهی همراه بوده است. اثربخشی این سیاست‌های حمایتی به شدت تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل پیچیده و درهم‌تنیده قرار دارد و شواهد متناقضی در مورد موفقیت آن‌ها در زمینه‌های مختلف وجود دارد (Cumming & Giones & Brem, 2017). طراحی یک سیاست حمایتی کارآمد که منجر به تخصیص بهینه منابع و دستیابی به اهداف توسعه کارآفرینی فناورانه شود، بدون درک عمیق از عواملی که بر شکل‌گیری، انتخاب، اجرا، و در نهایت نتایج آن تأثیر می‌گذارند، امری دشوار و گاه ناممکن است. این عوامل می‌توانند در سطوح مختلف، از شرایط کلان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی یک کشور (مانند ثبات اقتصادی، کیفیت نهادها، فرهنگ کارآفرینی) گرفته تا ویژگی‌های خاص اکوسیستم نوآوری (مانند دسترسی به سرمایه انسانی متخصص، وجود بازارهای رقابتی، همکاری دانشگاه و صنعت)، مشخصات صنایع فناور، و نیازهای ویژه شرکت‌های نوپا و فناور در مراحل مختلف چرخه عمرشان، و حتی فرآیندهای درونی سیاست‌گذاری، ظرفیت‌های اجرایی دولت، و هماهنگی بین نهادهای متولی، متغیر باشند. فقدان یک الگوی چند سطحی و یکپارچه که بتواند این عوامل اثرگذار و تعاملات پویای میان آن‌ها را به روشنی تبیین کند، چالشی اساسی پیش روی سیاست‌گذاران و پژوهشگران این حوزه است. بسیاری از مدل‌های موجود یا بر جنبه‌های خاصی از سیاست‌ها تمرکز دارند یا به اندازه کافی به زمینه و عوامل محیطی و شرایط خاص کشور توجه نمی‌کنند.

در زمینه خاص ایران، بخش قابل توجهی از شرکت‌های فناور و نوپا در قالب "شرکت‌های دانش‌بنیان" شناسایی و مورد حمایت قرار می‌گیرند. بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری (۱۴۰۳)، تا تیرماه ۱۴۰۳، تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان تایید شده به ۹،۹۷۰ شرکت رسیده است که نسبت به سال ۱۴۰۰ (حدود ۶،۶۴۲ شرکت) رشد حدود ۵۰ درصدی را نشان می‌دهد. این شرکت‌ها برای

بیش از ۴۰۷ هزار نفر اشتغال مستقیم ایجاد کرده‌اند که این نیز رشد قابل توجهی نسبت به حدود ۲۶۲ هزار نفر در سال ۱۴۰۰ داشته است. همچنین، بر اساس گزارش دیگری، تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان در پایان سال ۱۴۰۲ به بیش از ۹،۵۰۰ شرکت رسیده و درآمد کل این شرکت‌ها در سال ۱۴۰۱ حدود ۵۱۲ هزار میلیارد تومان (معادل تقریبی ۱۱ میلیارد دلار با نرخ ارز مرکز مبادله در آن زمان) برآورد شده که ۱۳۳ هزار میلیارد تومان آن مربوط به فروش مستقیم محصولات و خدمات دانش‌بنیان بوده است. صادرات شرکت‌های دانش‌بنیان نیز در سال ۱۴۰۲ رشد ۱۲۱ درصدی را تجربه کرده و به بیش از ۲،۵ میلیارد دلار رسیده است (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۳). با این وجود و علی‌رغم این رشد کمی، چالش‌های متعددی در مسیر توسعه کیفی و پایداری این شرکت‌ها و اثربخشی سیاست‌های حمایتی وجود دارد. مطالعات داخلی به موانعی نظیر بروکراسی پیچیده و زمان‌بر، عدم هماهنگی موثر بین دستگاهی، مشکلات تأمین مالی پایدار و متنوع (به‌ویژه سرمایه‌گذاری خطرپذیر)، ضعف در زیرساخت‌های تجاری‌سازی و بازاریابی (به‌ویژه در سطح بین‌المللی)، موانع ورود به بازارهای جهانی ناشی از تحریم‌ها و مشکلات انتقال فناوری، و تأثیرپذیری شدید از شرایط نامساعد اقتصاد کلان و نرخ بالای تورم در مسیر اثربخشی سیاست‌های حمایتی از شرکت‌های دانش‌بنیان اشاره کرده‌اند (برای نمونه: طباطبائیان و همکاران، ۱۳۹۹؛ زارع و همکاران، ۱۴۰۰؛ فتاحی و قاضی‌نوری، ۱۴۰۱؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰). همچنین، نیاز به بازنگری و تطبیق مستمر سیاست‌ها با توجه به تغییرات سریع فناوری و نیازهای در حال تحول شرکت‌های دانش‌بنیان فناور و نوپا یکی از دغدغه‌های جدی است. علاوه بر این، در گزارش جهانی نوآوری ۲۰۲۳ (GII 2023)، ایران با کسب رتبه ۶۲ در میان ۱۳۲ کشور، اگرچه در برخی زیرشاخص‌ها مانند تعداد فارغ‌التحصیلان علوم و مهندسی و تعداد پتنت‌های ثبت شده عملکرد نسبتاً خوبی داشته، اما در شاخص‌هایی نظیر کیفیت نهادها، پیچیدگی بازار، و پیچیدگی کسب‌وکار با چالش‌هایی روبروست که بر اکوسیستم نوآوری و کارآفرینی کشور تأثیرگذار است (WIPO, 2023). درک تجارب کشورهای توسعه‌یافته که در زمینه حمایت از کارآفرینی فناورانه و ایجاد اکوسیستم‌های نوآوری پویا پیشرو هستند (مانند ایالات متحده، آلمان، کره جنوبی، فنلاند)، می‌تواند درس‌آموخته‌های ارزشمندی برای بهینه‌سازی سیاست‌ها در ایران ارائه دهد (OECD, 2023).

نظریه‌های کلیدی کارآفرینی

ادبیات کارآفرینی در سه دهه اخیر با رشد چشمگیری همراه بوده و نظریه‌های آن علاوه بر نقش تبیینی، به‌عنوان چارچوبی تحلیلی برای سیاست‌گذاری، نوآوری و فهم رفتار کارآفرینان عمل می‌کنند. در این بخش با تمرکز بر موضوع پژوهش، مروری کوتاه بر برخی نظریه‌های کلیدی در این حوزه پرداخته می‌شود.

نظریه انگیزه کارآفرینانه: دیوید مک‌کللند[1](۱۹۶۱) این نظریه را پایه‌ریزی کرد که انگیزه‌های روان‌شناختی مانند نیاز به موفقیت، استقلال و خودتحققی را محرک اصلی تلاش افراد برای آغاز کسب‌وکار می‌داند. عوامل درونی قوی می‌توانند کارآفرینان را در مواجهه با عدم قطعیت‌ها و چالش‌های محیطی پایدار و مقاوم نگه دارند.

نظریه شبکه‌های اجتماعی: نظریه‌پرداز اصلی این دیدگاه، مارک گرانویتر[2](۱۹۷۳) بود. او نشان داد که شدت و نوع روابط میان بازیگران (شبکه) می‌تواند دسترسی به منابع اطلاعاتی، حمایت‌های مالی و فرصت‌های کارآفرینی را تسریع یا محدود کند. شبکه‌های متنوع و پربار توانایی انتقال سریع دانش و ایجاد همکاری‌های بین‌بخشی را دارند که برای شکل‌گیری کسب‌وکارهای فناورانه ضروری است.

نظریه گرایش کارآفرینانه: دیوید میلر[3](۱۹۸۳) این نظریه را پیشنهاد داد که بر سه مؤلفه کلیدی نوآوری، ریسک‌پذیری و پیش‌نگری تمرکز دارد. سازمان‌ها یا تیم‌های موسس با سطح بالاتر گرایش کارآفرینانه، توانایی بیشتری در واکنش به تغییرات بازار و خلق فرصت‌های فناورانه دارند و معمولاً عملکرد بهتری در زمینه نوآوری از خود نشان می‌دهند.

نظریه کارآفرینی نهادی: این نظریه که توسط دیماجیو و پاول[4](۱۹۸۳) بنیاد نهاده شد، بر نقش نهادهای رسمی (قوانین، سیاست‌ها) و غیررسمی (هنجارها، فرهنگ) در شکل‌گیری رفتار کارآفرینانه تأکید دارد. بنا بر این دیدگاه، چارچوب نهادی یک جامعه می‌تواند انگیزش افراد برای آغاز یا توسعه یک کسب‌وکار را تقویت یا تضعیف کند. حمایت یا موانع ناشی از ساختارهای حقوقی و فرهنگی تعیین‌کننده میزان کارآفرینی در یک کشور یا منطقه است.

---

[1] David McClelland
[2] Granovetter
[3] Miller
[4] DiMaggio & Powell

نظریه ظرفیت جذب: کوهن و لوینتال[1](۱۹۹۰) مفهوم ظرفیت جذب را معرفی کردند تا نشان دهند توانایی یک سازمان یا کارآفرین در شناسایی، جذب و به‌کارگیری دانش خارجی، کلید موفقیت در نوآوری و توسعه فناوری است. شرکت‌های دانش‌بنیان با ایجاد ساختارهای یادگیری سازمانی و شبکه‌های ارتباطی قوی با دانشگاه‌ها، ظرفیت نوآوری خود را به‌طرز چشمگیری افزایش می‌دهند.

نظریه کارآفرینی مبتنی بر منابع: جی بارنی[2](۱۹۹۱) نظریه منابع‌محور را بنیان نهاد که منابع داخلی سازمان (مانند دانش، مهارت و سرمایه انسانی) را مهم‌ترین عامل مزیت رقابتی می‌داند. در زمینه کارآفرینی، شرکت‌های دانش‌بنیان با شناسایی و بسیج این منابع استراتژیک و حفاظت از مالکیت فکری، می‌توانند موانع ورود رقبا را بالا برده و نوآوری‌های فناورانه را به‌صورت انحصاری در بازار عرضه کنند.

نظریه کارآفرینی اجتماعی: جین دیس[3](۱۹۹۸) این نظریه را مطرح کرد تا کسب‌وکارهایی را توصیف کند که اولویت اصلی آن‌ها حل مسائل اجتماعی و محیطی است. در این رویکرد، ارزش اجتماعی در کنار ارزش اقتصادی تولید می‌شود و کسب‌وکارهای اجتماعی می‌توانند با مدل‌های نوآورانه، هم‌بستر اجتماعی و اقتصادی را بهبود بخشند.

نظریه مارپیچ سه‌گانه: بنیان‌گذار این نظریه، تزکویتز و لایدس‌دورف[4](۲۰۰۰) بودند. آن‌ها تعامل پویا میان دانشگاه، صنعت و دولت را به‌عنوان محرک نوآوری و توسعه اقتصادی معرفی کردند. در این مدل، نقش دانشگاه فراتر از پژوهش و آموزش است و از طریق همکاری با صنعت و حمایت‌های سیاست‌گذارانه دولت، زمینه‌ساز خلق شرکت‌های فناورانه و تجاری‌سازی دانش می‌شود.

نظریه کارآفرینی مبتنی بر فرصت: شین و ونکاتارامان[5](۲۰۰۰) این چارچوب را تعریف کردند که کارآفرینی را فرایند شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های محیطی می‌داند. به باور آنان، کارآفرینان موفق کسانی هستند که می‌توانند تغییرات تکنولوژیک و اقتصادی را رصد کنند، شکاف‌های بازار را آشکار سازند و مدل‌های کسب‌وکار نوآورانه‌ای بر اساس این فرصت‌ها خلق کنند.

---

[1] Cohen & Levinthal
[2] Barney, J.
[3] Dees, J. G.
[4] Etzkowitz, H., & Leydesdorff
[5] Shane, S., & Venkataraman

نظریه اثرگذاری: ساراسواتی[1](۲۰۰۱) چارچوبی شناختی-رفتاری برای توضیح فعالیت‌های کارآفرینان در شرایط عدم قطعیت ارائه می‌دهد. براساس چارچوب اثرگذاری، کارآفرینان به‌جای تعیین هدف‌های دقیق و حرکت گام‌به‌گام، با منابع در دسترس شروع می‌کنند، شریک‌های کلیدی را جذب می‌کنند و مسیر کسب‌وکار را با آزمون و خطا و تعهد به مشارکت‌ها شکل می‌دهند.

نظریه سرریز دانش: آدرتش و کیل‌بچ[2](۲۰۰۷) این نظریه را مطرح کردند تا مسیر انتقال دانش از سازمان‌های تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ به کارآفرینان را توضیح دهند. بر اساس این دیدگاه، کارآفرینان به‌عنوان واسط، دانش غیرقابل استفاده در محیط‌های رسمی را مهندسی مجدد کرده و به نوآوری‌های تجاری تبدیل می‌کنند، امری که برای رونق اقتصاد دانش‌بنیان حیاتی است.

نظریه اکوسیستم کارآفرینی: دانیل آیزنبرگ[3](۲۰۱۱) این مفهوم را معرفی کرد تا اهمیت شبکه عوامل و نهادهای متنوع ازسرمایه‌گذاران خطرپذیر و شرکتهای بزرگ تامراکز رشدو فرهنگ کارآفرینی را در موفقیت کسب‌وکارهای نوپا نشان دهد.اکوسیستم کارآفرینی مجموعه‌ای هم‌افزا است که منابع انسانی، مالی وفناورانه را در کنار زیرساخت‌های نهادی و فرهنگی گرد می‌آورد تا نرخ تولد و رشد استارتاپ‌ها را افزایش دهد.

نظریه کارآفرینی دیجیتال: نامبیسن[4](۲۰۱۷) مفهوم کارآفرینی دیجیتال را معرفی کرد تا نشان دهد چگونه فناوری‌های دیجیتال -از پلتفرم‌ها و شبکه‌های آنلاین تا هوش مصنوعی و اینترنت اشیا -ساختار فرصت‌ها، مدل‌های کسب‌وکار و تعاملات کارآفرینانه را متحول کرده‌اند. این نظریه بر سه وجه تأکید می‌کند: نقش فناوری در خلق و کشف فرصت‌ها، تغییر فرایند توسعه محصول و مقیاس‌پذیری آن، و شکل‌گیری اکوسیستم‌های دیجیتال که مرزهای جغرافیایی و صنعتی را کمرنگ می‌کنند.

کارآفرینی فناورانه و اقتصاد دانش بنیان

در ادبیات معاصر اقتصاد و مدیریت نوآوری، کارآفرینی فناورانه و اقتصاد دانش‌بنیان به‌منزله‌ی دو ستون بنیادین تحول اقتصادی مطرح‌اند؛ ستون‌هایی که در تعامل با یکدیگر، شالوده‌ی رشد پایدار را شکل می‌دهند. کارآفرینی فناورانه، در دل اقتصاد دانش‌بنیان، به‌مثابه نیرویی محرک، موتور اصلی دگرگونی و پویایی نظام‌های نوآوری به شمار می‌آید.

---

[1] Sarasvathy
[2] Audretsch, D. B., & Keilbach
[3] Isenberg
[4] Nambisan

براساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD, 2023) سرمایه‌گذاری در دارایی‌های دانشی و نوآوری نقش مهمی در رشد GDP کشورهای توسعه‌یافته ایفا می‌کند، و کارآفرینی فناورانه در اقتصاد دانش‌محور یکی از سازوکارهای کلیدی در تحقق این رشد محسوب می‌شود.

ساتالکینا و اشتاینر[1] (۲۰۲۰) نشان می‌دهند که دیجیتالی‌شدن و فناوری‌های نوین نه‌تنها ساختارهای اقتصادی بلکه الگوهای تعامل میان بازیگران را دگرگون کرده‌اند. در این میان، کارآفرینی فناورانه سازوکاری است که دانش را به نوآوری‌های اقتصادی و اجتماعی تبدیل کرده و به تقویت اقتصاد دانش‌بنیان می‌انجامد. این رابطه دوسویه است؛ زیرا اقتصاد دانش‌بنیان بدون کارآفرینان، به انباشت دانش محدود می‌شود و کارآفرینی فناورانه نیز بدون زیرساخت‌های دانشی به بلوغ نمی‌رسد. یافته‌ها این ارتباط را در سه سطح توضیح می‌دهند: فردی (ویژگی‌های فرصت‌جو و مهارت بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال)، فرایندی (دیجیتالی‌سازی مدیریت و مدل‌های کسب‌وکار)، و اکوسیستمی (نهادها، سیاست‌ها و زیرساخت‌ها). تعامل این سه سطح چرخه‌ای هم‌افزا ایجاد می‌کند که موجب پایداری اقتصاد دانش‌بنیان می‌شود. نمونه‌های بین‌المللی نیز این واقعیت را تأیید می‌کنند: فنلاند با سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و پیوند دانشگاه و صنعت، کره‌جنوبی با حمایت از استارتاپ‌ها و توسعه زیرساخت دیجیتال، و آلمان با تمرکز بر نوآوری در شرکت‌های کوچک و متوسط، توانسته‌اند جایگاه خود را در شاخص‌های جهانی نوآوری و رقابت‌پذیری ارتقا دهند. نویسندگان همچنین تأکید می‌کنند که تحول دیجیتال می‌تواند از یک‌سو فرصت‌هایی همچون خلق مدل‌های نوین کسب‌وکار، دسترسی به بازارهای گسترده‌تر و ارتقای بهره‌وری فراهم آورد و از سوی دیگر، مخاطرات و آسیب‌پذیری‌های جدیدی برای نظام‌های اقتصادی به همراه داشته باشد. در این میان، پیوند کارآفرینی فناورانه و اقتصاد دانش‌بنیان سازوکاری فراهم می‌سازد که کشورها و سازمان‌ها بتوانند ضمن بهره‌گیری مؤثر از مزایای فناوری‌های نوین، ریسک‌ها و تهدیدهای ناشی از آن را نیز به‌طور کارآمد مدیریت کنند.

گزارش بانک جهانی[2] (۲۰۲۳) نیز نشان می‌دهد که پیوند میان کارآفرینی فناورانه و اقتصاد دانش‌بنیان ضرورتی راهبردی برای گذار از اقتصاد مبتنی بر منابع به اقتصاد متکی بر دانش

[1] Satalkina & Steiner
[2] World Bank

است. در این راستا، برنامه استارتاپ برزیل[1] به‌عنوان نمونه‌ای از سیاست‌های حمایتی دولت برزیل معرفی شده که با هدف تقویت اکوسیستم نوآوری، ارتقای بهره‌وری و افزایش ظرفیت جذب دانش اجرا گردیده است. با وجود ظرفیت‌های علمی و فناورانه، برزیل همچنان با چالش‌هایی نظیر تجاری‌سازی دانش، پیوند ضعیف دانشگاه و صنعت، و محدودیت سرمایه‌گذاری خطرپذیر روبه‌روست؛ با این حال، این برنامه توانسته با حمایت از استارتاپ‌ها، ایجاد شتاب‌دهنده‌ها و تسهیل دسترسی به منابع مالی، نقش مهمی در پویایی نوآوری ایفا کند.

اعرابی و رضوی (۱۴۰۳) در پژوهشی تأکید می‌کنند که شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران به‌عنوان رکن اصلی توسعه کارآفرینی فناورانه عمل کرده و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، مسیر تجاری‌سازی دانش را هموار ساخته‌اند. به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد کشور با محدودیت‌های ساختاری و تحریم‌ها روبه‌روست، این شرکت‌ها توانسته‌اند نقش موتور محرک نوآوری، اشتغال تخصصی و ارتقای بهره‌وری را ایفا کرده و زمینه حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان را فراهم آورند. به گفته نویسندگان رشد کمی و کیفی شرکت‌های دانش‌بنیان و افزایش سهم آن‌ها در تولید محصولات دانش‌محور، نشان‌دهنده حرکت اقتصاد ایران به سمت مدل‌های دانش‌بنیان است و توسعه کارآفرینی فناورانه در این زمینه تابع مجموعه‌ای از الزامات نهادی، سیاستی و فرآیندی است که موفقیت شرکت‌ها در تجاری‌سازی دانش و خلق ارزش اقتصادی را تسهیل می‌کند.

شرکت‌های دانش‌بنیان در اقتصاد جهانی

در دهه‌های اخیر، توجه سیاست‌گذاران و پژوهشگران به‌سوی سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود معطوف شده است و این جریان، زمینه را برای ظهور شرکت‌های دانش‌بنیان به‌عنوان نیروی محرکه اصلی رشد بهره‌وری و نوآوری در اقتصاد جهانی فراهم آورده است. بر پایه تحلیل‌های OECD (۲۰۲۴)، سهم دارایی‌های نامشهود – از جمله اطلاعات رایانه‌ای، مالکیت فکری و شایستگی‌های اقتصادی – امروزه بیش از نیمی از کل سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها را تشکیل می‌دهد. این تغییر ساختاری، جایگزینی سنتی منابع فیزیکی با شبکه‌های دانش و فناوری را تسریع کرده و شرکت‌هایی را متمایز ساخته که توانایی خلق، جذب و تجاری‌سازی دانش فناورانه را در هسته فعالیت‌های خود قرار

[1] STARTUP BRASIL

می‌دهند. در این چارچوب، شدت بالای تخصیص منابع به تحقیق و توسعه، مدیریت فعال حقوق مالکیت فکری و بهره‌گیری از نیروی کار متخصص، سه رکن اساسی متمایزکننده این شرکت ها از بنگاه‌های سنتی شناخته می‌شوند.

علاوه بر آن، OECD (۲۰۲۴) خاطرنشان می‌کند که عملکرد آنها تا حد زیادی به کارآمدی بازارهای کالا، نیروی کار و سرمایه مخاطره‌پذیر وابسته است؛ به‌گونه‌ای که سیاست‌هایی مانند معافیت‌های مالیاتی برای پژوهش و توسعه، حمایت‌های مستقیم هدفمند و تضمین حقوق مالکیت فکری شفاف، انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های نوآورانه را فراهم می‌آورند. این ترکیب نهادی و ساختاری، امکان شکل‌گیری چرخه‌های سریع «آزمایش، یادگیری، مقیاس» را در بنگاه‌های دانش‌بنیان مهیا می‌سازد و آن‌ها را به بازیگران مرکزی در شبکه‌های نوآوری منطقه‌ای و فراملی تبدیل می‌کند. پژوهش‌های مبتنی بر این گزارش، بر لزوم تنظیم سیاست‌های هم‌راستا با ویژگی‌های این بنگاه ها تأکید دارند تا از انتشار سریع دانش حمایت کرده و فضای لازم برای رقابت مبتنی بر نوآوری را تضمین کنند.

بر اساس گزارش سازمان جهانی مالکیت فکری (۲۰۲۳)، صنایع با شدت فکری بالا[1] که معادل شرکت‌های دانش‌بنیان در سیاست نوآوری محسوب می‌شوند، در سال ۲۰۲۱ نزدیک به ۳۷٫۳٪ از تولید ناخالص داخلی جهانی را به خود اختصاص دادند؛ این سهم در کشورهای با درآمد بالا به ۴۵٫۵٪ و در کشورهای با درآمد متوسط و پایین به ۳۳٫۵٪ رسید. این آمار نشان می‌دهد که دانش بنیان‌ها با تمرکز بر خلق و حفاظت دارایی‌های نامشهود نظیر حقوق مالکیت فکری و سرمایه‌گذاری گسترده در تحقیق‌وتوسعه، موتور اصلی رشد اقتصادی، افزایش بهره‌وری و تقویت تاب‌آوری در برابر بحران‌های جهانی هستند. افزایش مستمر این نسبت از اوایل دهه ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ نشان‌دهنده رونق بی‌سابقه این شرکت‌ها و تأثیرگذاری آن‌ها بر رشد اقتصادی و انتقال فناوری در سطح جهان است.

همچنین گزارش شاخص جهانی نوآوری ۲۰۲۳ نشان می‌دهد، اقتصادهای نوآور ـ که در آن‌ها شرکت‌های دانش‌بنیان محور اصلی توسعه و رقابت محسوب می‌شوند ـ بیش از ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را از محل صادرات خدمات دانش‌بنیان و کالاهای فناوری‌محور تأمین می‌کنند. طی سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، ارزش صادرات خدمات دانش‌بنیان در اقتصادهای نوآور نیز به‌طور متوسط سالانه ۶٫۱٪ رشد داشته که نشان‌دهنده

[1] IP-intensive industries

نقش محوری این بنگاه‌ها در توسعه بازارهای بین‌المللی و افزایش بهره‌وری ملی است. افزون بر این، GII 2023 تأکید می‌کند که حضور گسترده این شرکت‌ها در شبکه‌های نوآوری و زنجیره‌های تأمین دیجیتال، تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی را در مواجهه با شوک‌هایی نظیر همه‌گیری کووید-۱۹ و بحران‌های اقلیمی به‌طور قابل‌توجهی تقویت می‌کند.

شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران: براساس قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب سال ۱۳۸۹، «شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان» به واحدهای حقوقی خصوصی یا تعاونی اطلاق می‌شود که با هدف هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی، گسترش و به‌کارگیری اختراع و نوآوری، و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (اعم از طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه‌های فناوری‌های پیشرفته و دارای ارزش افزوده بالا به‌ویژه در زمینه تولید نرم‌افزارهای تخصصی تشکیل می‌شوند (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹). در ادامه، چارچوب حمایتی این واحدها با تصویب قانون جهش تولید دانش‌بنیان در سال ۱۴۰۱ تقویت گردید. این قانون مجموعه‌ای از ابزارهای حمایتی، از جمله معافیت‌های مالیاتی و گمرکی، سازوکارهای تسهیل تأمین مالی، و تکالیف نهادی برای توسعه زنجیره‌های ارزش دانش‌بنیان را پیش‌بینی کرده است (مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱).

پیشینه تجربی

جدول ۱: پیشینه داخلی

نویسنده	عنوان پژوهش	هدف / روش	نتایج/ عوامل کلیدی
فیضی و همکاران (۱۴۰۴)	ارائه مدل توانمندسازهای شکل‌گیری اکوسیستم دانش‌بنیان	بررسی عوامل کلیدی مؤثر بر شکل‌گیری اکوسیستم دانش‌بنیان؛ رویکرد آمیخته؛ مصاحبه با ۲۵ خبره از اساتید دانشگاه و مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان	– عوامل مالی، حمایت دولتی، عوامل محیطی، همکاری بین شرکت‌ها و عوامل قانونی. – تقویت سیاست‌های حمایتی، کاهش هزینه‌ها، تسهیل دسترسی به منابع، ترویج همکاری دانشگاه و صنعت
خاقانی و همکاران (۱۴۰۴)	طراحی و تبیین مدل اکوسیستم	طراحی مدل اکوسیستم کارآفرینی دیجیتال. روش: نظریه داده‌بنیاد با	– چالش‌هایی مانند زیرساخت‌های ناکافی، ابهامات قانونی، کمبود سرمایه و سیاست‌های حمایتی دولتی. – هم‌افزایی دولتی، خصوصی و

	کارآفرینی دیجیتال	مصاحبه نیمه‌ساختاریافته ۱۴ خبره.	آموزشی؛ سیاست‌های حمایتی برای رفع چالش‌ها.
اکبری (۱۴۰۳)	مروری بر وضعیت نوآوری و شاخص خروجی‌های خلاق در ایران؛ بر اساس گزارش جهانی نوآوری در سال ۲۰۲۴	بررسی عملکرد کشور در شاخص جهانی نوآوری طی سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ و مقایسه با برخی کشورها	– افت در چهار رکن (نهادها، سرمایه انسانی، زیرساخت‌ها، خروجی‌های خلاق)؛ بهبود در پیچیدگی بازار. – عملکرد مثبت در ثبت علائم تجاری و صادرات کالاهای خلاق، تمرکز بر دارایی‌های نامشهود
حاجی‌رحیمی (۱۴۰۳)	عوامل مؤثر بر توسعه اقتصاد دانش‌بنیان در ایران	بررسی عوامل مؤثر بر توسعه اقتصاد دانش‌بنیان براساس شاخص های جهانی نوآوری. روش: توصیفی–تحلیلی با داده‌های جهانی نوآوری ۲۰۲۱	– ضعف‌های نهادی (ناپایداری سیاستی، مقررات ناکارآمد، ضعف کارآمدی دولت). – سرمایه انسانی قوی، اصلاح نهادهای سیاسی، اقتصادی و قانونی؛ تقویت حقوق مالکیت معنوی؛ ایجاد محیط سیاستی باثبات، تسهیل سرمایه‌گذاری
پناهی و همکاران (۱۴۰۲)	بررسی تأثیر سیاست‌های حمایتی بر قصد کارآفرینی دانشجویان	کمی؛ مبتنی بر نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده (TPB)؛ نمونه ۳۱۵ دانشجوی علوم انسانی؛ تحلیل مسیر و آزمون **t**	محدودیت بودجه و حمایت‌های آموزشی، رابطه‌ای، ساختاری؛ بیکاری فارغ التحصیلان، نوسانات اقتصادی، قوانین دست‌وپاگیر، کمبود مشوق‌های مالی و ضعف زیرساخت در توسعه اقتصاد دیجیتال.
کشاورز و همکاران (۱۴۰۱)	ارائه الگویی جامع برای موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان	شناسایی و استخراج عوامل موفقیت شرکتهای دانش بنیان و و طبقه بندی آنها. روش: کیفی (فراترکیب) با بررسی ۴۷۹ مقاله	– نوآوری، مدیریت دانش، شبکه‌سازی، سرمایه‌گذاری، بازاریابی، حمایت محیطی، رهبری، فناوری، رشد پایدار. – کمبود سرمایه، ضعف شبکه‌سازی، مشکلات مدیریتی، چالش‌های محیطی، عدم نوآوری، ضعف

		وتجزیه وتحلیل ۹۹ مقاله نهایی	بازاریابی، کمبود نیروی متخصص، ریسک‌های خارجی
شجاعی و همکاران (۱۴۰۰)	ارزیابی اثربخشی سیاست‌های حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران	ارزیابی پسینی اثربخشی سیاست‌های حمایتی ذیل قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان (مصوب ۱۳۸۹) از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹.	– تسهیل امور گمرکی، حمایت مالیاتی، صادرات، نیروی انسانی، جذابیت حمایت‌ها. – شفاف‌سازی اهداف قانون؛ بهبود دسترسی به داده‌ها؛ افزودن اهداف اجتماعی؛ استفاده از مدل منطقی ارزیابی؛ تعامل با نهادهای اجرایی؛ تکرار دوره‌ای ارزیابی؛ تمرکز بر فرآیندهای داخلی شرکت‌ها

جدول۲: پیشینه خارجی

پدیدآورنده	عنوان پژوهش	هدف / روش	نتایج/ عوامل کلیدی
کنسرسیوم جهانی کارآفرینی (۲۰۲۵)	گزارش جهانی کارآفرینی ۲۰۲۵/۲۰۲۴: بازنگری واقعیت‌های کارآفرینی	بررسی وضعیت کارآفرینی در ۵۱ کشور. روش: پیمایش از بیش از ۱۶۰هزار فرد بزرگسال + نظرسنجی تخصصی از کارشناسان ملی برای ارزیابی ۱۳ شرط چارچوبی کارآفرینی و شاخص زمینه ملی کارآفرینی	تاکید بر نقش محوری دولت در تقویت کارآفرینی با اجرای سیاست‌های حمایتی مؤثر، کاهش موانع اداری، و سرمایه‌گذاری مستمر در آموزش، نقش حیاتی در افزایش نرخ کارآفرینی نوپا، تسهیل بلوغ کسب‌وکارها، کاهش شکاف‌های کلیدی (جنسیتی و دیجیتال) و تسهیل روند خروج از کسب‌وکار فعلی و آغاز فعالیتهای جدید
استارتاپ ژنوم (۲۰۲۵)	گزارش اکوسیستم جهانی استارتاپ‌ها ۲۰۲۵	تحلیل جامع وضعیت اکوسیستم‌های استارتاپی در بیش از ۳۵۰ شهر و کشور جهان. روش: تحلیل شاخص‌ها.	حمایت از اکوسیستم‌های نوآوری، ایجاد شبکه‌های کارآفرینی پویا، سرمایه‌گذاری‌های کلان عمومی، معافیت‌های مالیاتی، سیاست‌های جذب و پرورش استعداد، برنامه‌های حمایتی

			در حوزه‌های نوظهور و فناوری‌های سبز
پراسانات و همکاران (۲۰۲۴)	تأثیر سیاست‌های حمایتی دولت بر جهت‌گیری کارآفرینانه و عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط	بررسی نحوه تأثیر انواع سیاست‌های حمایتی دولتی بر جهت‌گیری کارآفرینانه و عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط. روش: مرور نظام‌مند ۶۵ مقاله علمی	سیاست‌های حمایتی دولت به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند: الف. حمایت‌های مستقیم مالی (مانند وام، یارانه) ومستقیم غیرمالی (مانند آموزش،ارتقای فناوری). ب.حمایت‌های غیرمستقیم مالی(مانند سیاستهای مالیاتی) وغیرمستقیم غیرمالی مانند اصلاحات نهادی، بهبود فضای رقابتی وترویج فرهنگ کارآفرینی
هانس لوفستن (۲۰۲۴)	سیاست‌هایی برای مقیاس‌پذیری شرکت‌های فناورانه	بررسی سیاست‌های حمایتی برای شرکت‌های فناورانه پایدار که قصد رشد و مقیاس‌پذیری دارند.روش: تحلیل مفهومی و تجربی	– توسعه مدل مفهومی سه‌بعدی برای ارزیابی سیاست‌ها (بازیگران، تحلیل، ارزیابی) – تأکید بر نقش سیاست‌گذاران در درک بهتر پیوند میان جمعیت شرکت‌های در حال رشد و سیاست‌های سمت تقاضا. –– ارائه تحلیل تطبیقی از سیاست‌های حمایتی در کشورهای بریتانیا، آمریکا، برزیل، هند، چین، کره جنوبی و ژاپن
ولاسوا و همکاران (۲۰۲۴)	غلبه بر موانع داخلی و خارجی در مسیر توسعه نوآورانه کسب‌وکارها	بررسی ظرفیت تطبیقی شرکت‌های روسی در مواجهه با بحران‌های اقتصادی و تحریم‌ها و ارزیابی شرایط محیطی مؤثر بر نوآوری	– عوامل بیرونی/داخلی، مقررات پیچیده، کمبود متخصص، محدودیت در تأمین مالی خارجی و هشت گروه عامل محیطی شامل بازارها، رقابت، منابع انسانی و مالی، زیرساخت، تنظیم‌گری دولتی و محیط اجتماعی شناسایی شدند. – تطبیق پذیری بالای شرکت‌های نوآور و صادرکننده در مواجهه با بحران‌ها از جمله تحریم ها
زوینیگا (۲۰۲۳)	اثربخشی سیاست‌های نوآوری در	تحلیل تجارب کشورها. روش: مرور نظام‌مند.	– اثربخشی سیاست‌ها به‌شدت وابسته به شرایط زمینه‌ای مانند سرمایه انسانی، زیرساخت‌ها، و رقابت بازار است. – یارانه‌ها و مشوق‌های مالیاتی می‌توانند

کشورهای نوظهور	سرمایه‌گذاری خصوصی در نوآوری را افزایش دهند. – اثرات غیرمستقیم مانند سرریز دانش نقش مهمی در بهبود بهره‌وری دارند. – سیاست‌های نوآوری باید با سایر سیاست‌ها مانند آموزش، رقابت، و تأمین مالی هماهنگ شوند تا اثربخشی بیشتری داشته باشند.

مرور پیشینه‌های داخلی و خارجی پیرامون سیاست‌های حمایتی دولتی در رشد و توسعه کارآفرینی، به‌ویژه در شرکت‌های دانش‌بنیان، نشان می‌دهد که در کنار برخی نقاط اشتراک، چالش‌های نظری و اجرایی مهمی نیز وجود دارد. در سطح داخلی، نقش دولت و نهادهای واسطی همچون پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد و صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر در توانمندسازی شرکت‌ها غیرقابل انکار است. با این حال، محدودیت منابع مالی، عدم تناسب ابزارهای حمایتی با مراحل مختلف رشد، بوروکراسی پیچیده و فقدان هماهنگی میان سیاست‌های کلان و اجرا در سطح محلی، مانع تحقق کامل اثربخشی این حمایت‌ها شده است. شکاف میان ظرفیت‌های علمی ـ دانشگاهی و توان تجاری‌سازی نیز آشکار می‌سازد که سرمایه‌گذاری صرف در پژوهش کافی نیست و نیاز به طراحی ابزارهای بازارمحور و حمایت از چرخه عمر کامل شرکت‌ها به‌شدت احساس می‌شود.

در مقابل، مطالعات خارجی تصویری روشن‌تر از عوامل موفقیت ارائه می‌دهند. کشورهایی نظیر کره‌جنوبی، ژاپن و سنگاپور توانسته‌اند با ترکیب سیاست‌های مالی، مقرراتی، آموزشی و بین‌المللی‌سازی، زمینه رشد پایدار شرکت‌های دانش‌بنیان را فراهم کنند. عنصر محوری در این تجارب، هماهنگی نهادی و طراحی بسته‌های سیاستی متناسب با هر مرحله چرخه عمر شرکت است. علاوه بر این، وجود بازارهای خروج (مانند عرضه اولیه سهام یا ادغام و تملیک) به‌عنوان مکانیزمی کلیدی در جذب سرمایه‌گذاری خطرپذیر و تسریع مسیر یونیکورن‌زایی نقشی تعیین‌کننده ایفا کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف دستیابی به درکی جامع و عمیق از عوامل اثرگذار بر سیاست‌های حمایتی دولتی در توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان فناور و نوپا انجام شده است، از رویکرد تحقیق کیفی بهره خواهد برد. این رویکرد به پژوهشگر اجازه میدهد که ابتدا پدیده مورد

نظررا به صورت عمیق و زمینه مند درک کرد، سپس یافته ها را در سطح گسترده تری تعمیم دهد. مرحله اول این پژوهش، فاز کیفی است که با هدف اکتشاف و توسعه انجام گردید. در این مرحله، با اتخاذ رویکرد نظریه داده‌بنیاد به شناسایی عمیق عوامل، مقوله‌ها و روابط پرداخته شد تا مفاهیم استخراج گردید. جامعه آماری این فاز شامل نخبگان دانشگاهی، سیاست‌گذاران و مدیران دولتی، مدیران نهادهای حمایتی، روسای پارک علم و فناوری، موسسان و مدیران موفق شرکت‌های دانش‌بنیان فناور و نوپا می باشد که دارای تجربه و دانش در زمینه موضوع پژوهش هستند. برای انتخاب این افراد، از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی استفاده شد و این فرآیند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این مرحله، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق صورت گرفت و داده‌های حاصل از این مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و فرآیند کدگذاری باز، محوری و انتخابی، به کمک نرم‌افزار مکس‌کیودا[1] تحلیل شد.

پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد؛ چرا که با تمرکز بر عوامل اثرگذار بر سیاست‌های حمایتی دولتی در توسعه کارآفرینی، به دنبال ارائه راهکارهای عملی و قابل اجرا برای بهبود سیاست‌گذاری در حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان، فناور و نوپا است. این هدف مستلزم شناخت دقیق از مؤلفه‌های تأثیرگذار، تحلیل روابط میان آن‌ها و ارائه مدلی نظری است که بتواند در فرآیند تصمیم‌سازی نهادهای دولتی مورد استفاده قرار گیرد. از منظر ماهیت داده‌ها و رویکرد روش‌شناسی، پژوهش حاضر از نوع کیفی است. در این طرح، ابتدا بخش کیفی با هدف کشف مؤلفه‌ها و ساختارهای نظری پنهان در داده‌ها اجرا می‌شود. این رویکرد به پژوهشگر امکان می‌دهد تا از عمق تحلیل کیفی برای تولید نظریه بهره‌برداری کرده . در بخش کیفی، از رویکرد نظریه داده‌بنیاد با الگوی نظام‌مند استراوس و کوربین[2](۱۹۹۸) استفاده شده است. این رویکرد به‌ویژه برای حوزه‌هایی که دانش نظری موجود ناکافی یا پراکنده است، بسیار مناسب بوده و امکان استخراج مفاهیم، مقوله‌ها و روابط میان آن‌ها را از دل داده‌های تجربی فراهم می‌سازد. مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی در این بخش اجرا شده‌اند تا مدل پارادایمی نهایی شکل گیرد.

جامعه آماری بخش کیفی شامل خبرگان، سیاست‌گذاران، مدیران اجرایی و صاحب‌نظران در حوزه‌های سیاست‌گذاری در نوآوری و کارآفرینی، شکل‌گیری و توسعه شرکت‌های

---

[1] MAXQDA
[2] Strauss & Corbin

دانش‌بنیان نوپا و فناور، و حمایت‌های دولتی در اکوسیستم نوآوری است. این جامعه آماری به سه گروه اصلی تقسیم می‌شود:

- گروه دانشگاهی: شامل اساتید و پژوهشگران حوزه‌های کارآفرینی، مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری علم و فناوری؛
- گروه سیاستی (دولتی) شامل مدیران و کارشناسان ارشد نهادهای متولی حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و نوآوری، مانند معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری، صندوق نوآوری و شکوفایی، پارک‌های علم و فناوری و وزارتخانه‌های مرتبط؛
- گروه صنعتی (کارآفرینان) شامل بنیان‌گذاران و مدیران عامل شرکت‌های دانش‌بنیان خصوصا فناور، نوپا و استارت‌آپ‌های موفق که به‌صورت مستقیم با سیاست‌ها و حمایت‌های دولتی درگیر بوده‌اند.

نمونه‌گیری در این بخش به‌صورت هدفمند و با روش گلوله‌برفی انجام شده است. معیار انتخاب افراد، سطح تخصص، تجربه عملی در سیاست‌گذاری یا اجرا، و آشنایی با چالش‌ها و فرصت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان خصوصا نوپا و فناور بوده است. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به‌طوری‌که پس از مصاحبه با ۱۲ نفر از خبرگان، داده‌های جدید تفاوت مفهومی معناداری با داده‌های پیشین نداشتند.

در مرحله کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه سیاست‌گذاری، کارآفرینی و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان گردآوری شده‌اند. برای طراحی چارچوب مصاحبه، ابتدا مرور نظام‌مند منابع علمی و سیاستی مرتبط با حمایت‌های دولتی از شرکت‌های دنش بنیان –خصوصا نوپا و فناور– انجام شد. این مرور به شناسایی اولیه مؤلفه‌ها و ابعاد مفهومی کمک کرد و مبنای طراحی سؤالات مصاحبه قرار گرفت. مصاحبه‌ها با استفاده از پروتکل مصاحبه طراحی‌شده توسط پژوهشگر انجام شدند. این پروتکل شامل مجموعه‌ای از سؤالات اصلی و فرعی بود که بر اساس الگوی پارادایمی نظریه داده‌بنیاد (شامل پدیده محوری، شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) تدوین شده‌اند. مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بوده و با رضایت مصاحبه‌شوندگان ضبط و سپس پیاده‌سازی شده است.

در بخش کیفی، تحلیل داده‌ها بر اساس رویکرد نظریه داده‌بنیاد و با استفاده از الگوی نظام‌مند استراوس و کوربین (۱۹۹۸) انجام شده است. این الگو شامل سه مرحله کدگذاری است:

۱. کدگذاری باز: در این مرحله، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به‌صورت خط‌به‌خط بررسی شده و مفاهیم اولیه استخراج شدند. این مفاهیم در قالب کدهای اولیه دسته‌بندی شدند تا ساختار مفهومی اولیه شکل گیرد.

۲. کدگذاری محوری: در این مرحله، مفاهیم اولیه در قالب مقوله‌های اصلی و فرعی سازمان‌دهی شدند. ارتباط میان مقوله‌ها بر اساس مدل پارادایمی شامل پدیده محوری، شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تحلیل شد.

۳. کدگذاری انتخابی: در این مرحله، مقوله محوری پژوهش شناسایی و به‌صورت نظام‌مند با سایر مقوله‌ها مرتبط شد. در نهایت، یک روایت نظری منسجم از الگوی عوامل اثرگذار بر سیاست‌های حمایتی دولتی در رشد و توسعه کارآفرینی تدوین گردید.

فرآیند تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA 2022 انجام شد. این نرم‌افزار امکان کدگذاری دقیق، ترسیم شبکه‌های مفهومی و استخراج مدل پارادایمی را فراهم ساخت.

در بخش کیفی، اعتبار پژوهش با استفاده از معیارهای پیشنهادی لینکلن و گوبا[1] (۱۹۸۵) شامل چهار محور زیر ارزیابی شد:

۱. اعتبارپذیری برای افزایش اعتبارپذیری، از روش اشباع نظری استفاده شد. مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافتند که داده‌های جدید حاوی مفاهیم تازه‌ای نبودند. همچنین، کدگذاری‌ها با بازبینی مکرر توسط پژوهشگر و تأیید خبرگان انجام شد.

۲. قابلیت انتقال: برای تسهیل انتقال‌پذیری یافته‌ها، توصیف دقیق از ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان، زمینه‌های سازمانی، و فرآیند تحلیل ارائه شد تا سایر پژوهشگران بتوانند در شرایط مشابه از نتایج استفاده کنند.

۳. قابلیت اعتماد: فرآیند گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت مستند و قابل بازبینی ثبت شد. نرم‌افزار MaxQDA برای مدیریت داده‌ها و مستندسازی مراحل کدگذاری استفاده شد.

[1] Lincoln & Guba

۴. تأییدپذیری: برای جلوگیری از سوگیری پژوهشگر، کدهای استخراج‌شده از هر مصاحبه در اختیار مصاحبه‌شونده قرار گرفت و صحت برداشت‌های مفهومی مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، یادداشت‌های تحلیلی[1] در طول فرآیند تحلیل ثبت شد.

تجزیه و تحلیل یافته ها

تحلیل داده‌ها مطابق با روش نظریه‌پردازی زمینه‌ای، طی سه مرحله کدگذاری انجام می‌شود.

۱-کدگذاری باز : در این مرحله، مقوله‌های اولیه اطلاعات در خصوص پدیده به وسیله بخش‌بندی اطلاعات شکل می‌گیرد. مقوله مفهومی است که از سایر مفاهیم انتزاعی‌تر است. نتیجه کدگذاری باز مجموعه‌ای از مقوله‌های مفهومی ایجاد شده از داده‌ها است.

۲-کدگذاری محوری : پس از اجرای کدگذاری باز و شکل‌گیری مقوله‌ها با اندیشیدن در رابطه با ابعاد متفاوت این مقوله‌ها و ارتباط بین آنها، به کدگذاری محوری پرداخته می‌شود و در نتیجه تعدادی مقوله به دست می‌آید.

۳-تتکدگذاری انتخابی: در این مرحله روابط بین مقوله‌های شکل گرفته با شکل اصلی الگوی پارادایمی استراوس و کوربین (۱۹۹۰) مطابقت دارد، به این معنی که پدیده محوری از شرایط علی تأثیر می‌پذیرد و خود بر راهبردها تأثیر می‌گذارد. راهبردها نیز به نوبه خود تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، پیامدهای مربوط به پدیده مورد بررسی را شکل می‌دهند.

تجزیه‌وتحلیل داده‌های مصاحبه با استفاده از روش داده‌بنیاد براساس رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین(1998) ، براساس سه مرحلهٔ کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. در این رویکرد، مقوله‌های اصلی شناسایی‌شده در قالب شرایط علّی، مقوله‌محوری، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبرد و پیامد طبقه‌بندی شدند. کدگذاری باز، یک فرایند تحلیلی است که ازطریق آن، مفاهیم، شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن در داده‌ها کشف می‌شوند. این مرحله در پایین‌ترین سطح انتزاع قرار دارد. کدگذاری محوری فرایند ربط‌دهی مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها و پیونددادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است؛ اما همچنان این مقوله‌ها نهایی نیستند؛ زیرا برای تولید نظریه نیاز است تا فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها صورت گیرد که به آن کدگذاری انتخابی گفته می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

---

[1] Memoing

۱- کدگذاری پدیده محوری

تحلیل داده‌های مصاحبه در این بخش به دنبال یافتن عواملی است که بر شکل‌گیری پدیده محوری این پژوهش، یعنی سیاست های حمایتی دولتی در توسعه کارافرینی شرکت های دانش بنیان فناور و نوپا اثرگذارند. پس از بررسی و تحلیل متن مصاحبه‌ها و کد گذاری مفاهیم نهایی؛ در مجموع، ۲ کد انتخابی و ۱۸ کد محوری از میان ۵۶ کد باز استخراج شد که نتایج به شرح جدول زیر هستند.

جدول۳: کدگذاری مقوله های محوری

طبقه کدهای استخراجی	کد انتخابی	کد محوری
مقوله های محوری	توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان فناور و نوپا	بررسی آسیب‌پذیری‌های اکوسیستم کارآفرینی و پرورش نوآوری در شرکت‌های دانش‌بنیان
		بهینه‌سازی مداخلات دولتی
		اشتغال‌زایی تخصصی
		تسریع رشد اقتصادی پایدار
		تجاری‌سازی ایده‌های نو
	سیاست‌های حمایتی هوشمندانه و نوآورانه	کارکرد های حمایتی دولت
		سرمایه‌گذاری جهانی در فناوری‌های نوظهور هوش مصنوعی
		حمایت از بکارگیری اینترنت اشیاء
		سیاست حمایتی از فناوری‌های پایدار با وجود نوسانات اقتصادی
		توسعه فناوری‌های نوظهور
		اتکای ذاتی بر فناوری‌های نوین
		زیرساخت‌های علمی و فناوری
		نظام مالکیت فکری کارآمد
		حمایت‌های مالی و غیر مالی

	کاهش ریسک‌های پیش روی کارآفرینان فناور
	انگیزه برای نوآوری و تجاری‌سازی فناوری‌های جدید
	سیاست‌های نوآوری در زمینه آموزش، رقابت و تأمین مالی
	سیاست‌گذاری کارآفرینی فناورانه پیچیده و چندوجهی

۲-کدگذاری شرایط علّی

تحلیل داده‌های مصاحبه در این بخش به دنبال یافتن عواملی است که بر شکل‌گیری شرایط علی این مطالعه، یعنی سیاست های حمایتی دولتی در توسعه کارافرینی شرکت های دانش بنیان فناور و نوپا اثرگذارند. پس از بررسی و تحلیل متن مصاحبه‌ها و کد گذاری مفاهیم نهایی؛ در مجموع، ۲ کد انتخابی و ۱۷ کد محوری از میان ۴۰ کد باز استخراج شد که نتایج به شرح جدول زیر هستند :

جدول ۴: کدگذاری شرایط علّی

طبقه کدهای استخراجی	کد انتخابی	کد محوری
شرایط علّی	تسهیل فرآیند رشد شرکت‌های نوآور	تسهیل دسترسی به شبکه‌ها و بازارهای بین‌المللی
		ایجاد اشتغال دانش‌پایه
		پاسخگویی مستقیم به نیازهای اطلاعاتی
		پاسخگویی به الزامات توسعه کارآفرینی فناورانه در بستر شرکت‌های دانش‌بنیان و نوپا
		ارتقای جایگاه اقتصاد کشور در عرصه نوآوری و فناوری

تصویب و تسهیل قوانین	به چالش کشیدن صنایع سنتی
	از میان برداشتن چالش‌های اقتصادی جهانی
	تشریح شفاف قوانین مربوط به شرکت های دانش بنیان
	شکل‌دهی به آینده اقتصادی شرکت های دانش بنیان
	قوانین تجاری تسهیل گر
	قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان
	تصویب قانون حمایت از صندوق نوآوری و شکوفایی
	تطبیق و بومی‌سازی قوانین
	اصلاح قوانین و تسهیل قوانین مطابق نیاز روز
	شفاف‌سازی اهداف قانون
	معافیت‌های مالیاتی
	تقویت قوانین مالکیت معنوی و مالکیت فکری

۳-کدگذاری عوامل زمینه‌ای

این بخش به دنبال شناسایی عواملی است که بر انتخاب راهبرد مناسب در وضعیت موجود تأثیر دارد. انجام تحلیل‌های کیفی توانسته است ۲ کد انتخابی را از میان ۲۰ کد محوری و ۴۳ کد باز استخراج کند که نتایج در جدول ۵ مشاهده می‌شوند :

جدول ۵: کدگذاری عوامل زمینه ای

طبقه کدهای استخراجی	کد انتخابی	کد محوری
عوامل زمینه ای	خلق ارزش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	ایجاد تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی
		تلاش برای رسیدن به توسعه پایدار
		ایجاد بازارهای جدید یا تحول در بازارهای موجود
		کمک به ایجاد تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی
		ایجاد کسب‌وکارهای جدید
		تحول در کسب‌وکارهای موجود
		ارائه راه‌حل‌های نوین برای کسب‌وکارها
		ایجاد محیطی توانمندساز
		خلق نوآوری منعطف و هم‌راستا با ارزش‌های جهانی
		خلق فضای رقابتی وترویج فرهنگ رقابتی استراتژی اقیانوس آبی
		خلق فرهنگ خودباوری و رقابت پذیری
		خلق جایگاه اجتماعی برای شرکت های دانش بنیان
	تخصیص بهینه منابع	دسترسی به سرمایه انسانی متخصص

تخصیص بهینه منابع و دستیابی به اهداف توسعه کارآفرینی فناورانه	
تقویت عوامل داخلی و خارجی توسعه	
تقسیم منابع اولیه به نسبت خروجی بهینه بین شرکت ها	
بهینه سازی و بکارگیری پتانسیل نسل جوان	
تخصیص منابع مالی، انسانی، انرژی و فنی به شرکت های فناور و نوپا	
اصلاح و بهینه سازی ساختار شرکت های دانش بنیان	
تسهیل و بهینه سازی کسب‌وکارهای کوچک و استارت آپی	

۴-کدگذاری عوامل مداخله‌گر

عوامل مداخله‌گر به عواملی عمومی اشاره دارند که بر راهبردها اثرگذارند. تحلیل‌های صورت‌گرفته توانسته است ۲ کد انتخابی را از میان ۹ کد محوری و ۲۴ کد باز استخراج کند؛ نتایج در جدول ۶ مشاهده می‌شوند :

جدول ۶: کدگذاری عوامل مداخله گر

طبقه کدهای استخراجی	کد انتخابی	کد محوری
عوامل مداخله گر	کارشکنی کشورهای خارجی	آسیب‌پذیری در برابر تکانه‌های خارجی
		کارشکنی‌های هدفمند کشورهای غربی
		محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و دسترسی به بازارها، فناوری‌ها، سرمایه و دانش فنی بین‌المللی
		تحریم‌ها و مشکلات انتقال فناوری
	ضعف ساختاری	ریسک بالای سرمایه‌گذاری
		عدم تقارن اطلاعات
		ضعف در زیرساخت‌های تجاری‌سازی و بازاریابی
		بروکراسی پیچیده و زمان‌بر
		عدم هماهنگی موثر بین دستگاهی

۵-کدگذاری راهبردها

تحلیل متون مصاحبه در این بخش در پی یافتن کنش‌ها و برهم‌کنش‌هایی است که از پدیدهٔ مرکزی منتج می‌شود. تحلیل‌های انجام‌شده در این بخش توانسته است ۲ راهبرد را از میان ۱۲ کد محوری و ۳۶ کد باز استخراج کند. نتیجهٔ حاصل‌شده به شرح جدول ۷ است.

جدول ۷: کدگذاری راهبردها

طبقه کدهای استخراجی	کد انتخابی	کد محوری
راهبردها	توسعه و رشد زیرساخت های فناوری	توسعه فناوری در راستای اولویت‌های ملی و مزیت‌های رقابتی
		توسعه فناوری در راستای مزیت‌های رقابتی
		توسعه زیرساخت‌های فناوری (مانند پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد)
		آموزش و سعه صفر تا ۱۰۰ جدیدترین و مدرن ترین فناوری های روز
		توسعه کاربران فناوری شرکت های دانش بنیان به جدیدترین فناوری های کاربردی حوزه تجارت الکترونیک
		آموزش ارزش و جایگاه متاورس ها در زیرساخت های فناوری
	هماهنگ‌سازی و هم‌افزایی بین بازیگران	هماهنگ‌سازی بین بازیگران مختلف دانشگاه، صنعت، و نهادهای مالی

	ایجاد فعالیت های هماهنگ ساز
	ارائه خدمات مشاوره‌ای و آموزشی
	هماهنگی بین نهادهای متولی
	هماهنگی میان طیف وسیعی از بازیگران دولتی و خصوصی
	ایجاد هماهنگی مؤثر و هم‌افزا میان دستگاه‌ها و نهادهای متعدد دولتی متولی امر نوآوری و کارآفرینی

۶-کدگذاری پیامدها

کاربست راهبردهای انتخابی، پیامدهایی را به همراه خواهد داشت. تحلیل متون مصاحبه به شناسایی ۲ پیامد انتخابی از میان ۷ کد محوری و ۱۸ کد باز منجر شد. نتیجهٔ حاصل‌شده به شرح جدول ۸ است :

جدول۸: کدگذاری پیامدها

طبقه کدهای استخراجی	کد انتخابی	کد محوری
پیامدها	قطعیت‌های و پیچیدگی	پیچیدگی بازارهای مالی داخلی و خارجی
		نامشخص بودن آینده شرکت های دانش بنیان
		تغییر آنی فناوری ها و کاربرد آنها
		نامشخص بودن چگونگی تولیدات شرکت های دانش بنیان به علت نوسانات بازار جهانی
	حذف موانع ساختاری	حذف موانع محیطی داخلی و خارجی
		کاهش موانع سازمانی و دانشی
		افزایش ارزیابی ها و نظارت های قانونی با حذف موانع پیشرو

ارایه ی مدل

در این بخش، الگوی استخراجی پژوهش براساس کدگذاری داده‌های مصاحبه با روش داده‌بنیاد و تکیه بر رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین به شرح نمودار ۱ ارائه می‌شود :

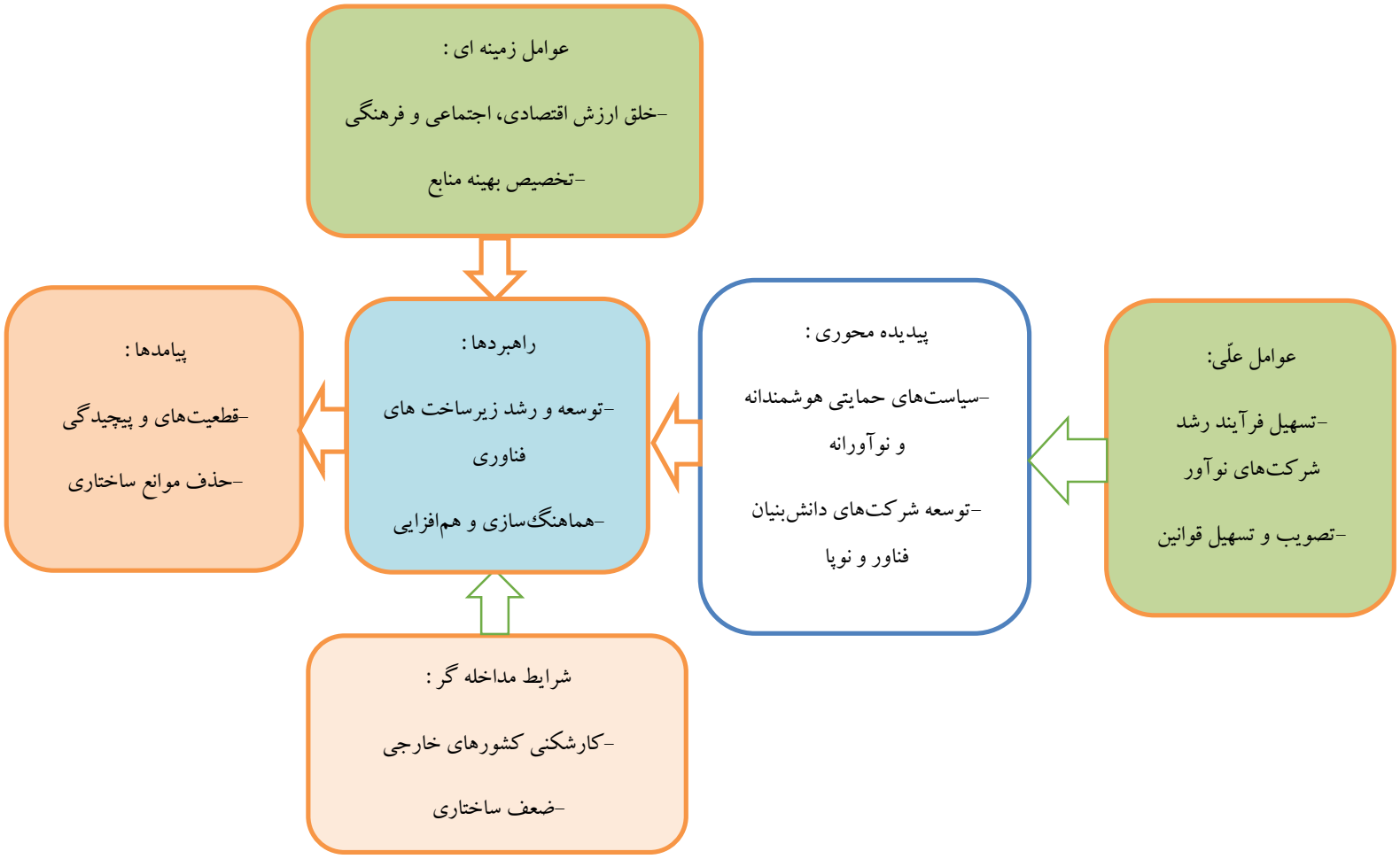

نمودار ۱: مدل عوامل اثرگذار بر سیاست های حمایتی دولتی در توسعه کارافرینی شرکت های دانش بنیان فناور و نوپا

نتیجه گیری

در دنیای امروز، کارآفرینی فناورانه و شرکت‌های دانش‌بنیان به‌عنوان موتورهای اصلی نوآوری و رشد اقتصادی در اقتصادهای دانش‌محور شناخته می‌شوند. این شرکت‌ها با تکیه بر دانش علمی و نوآوری‌های فناورانه، نه‌تنها ارزش اقتصادی و اجتماعی خلق می‌کنند، بلکه در افزایش رقابت‌پذیری و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار نقش بسزایی دارند. با این حال، ویژگی‌های ذاتی این حوزه، از جمله ریسک‌های بالا، عدم قطعیت‌های فنی و علمی، و چالش‌های دسترسی به منابع مالی و بازار، به‌ویژه در مراحل اولیه چرخه حیات این شرکت‌ها آن‌ها را به شدت وابسته به حمایت‌های هدفمند و هوشمندانه دولت می‌کند.

سیاست‌های حمایتی دولتی، از طریق ابزارهایی چون حمایت‌های مالی مستقیم و غیرمستقیم، تقویت زیرساخت‌ها، و تحریک تقاضا، به کاهش موانع پیش‌روی این شرکت‌ها کمک می‌کنند. این سیاست‌ها ریشه در مبانی نظری مختلفی دارند که از پارادایم شکست بازار- که بر جبران ناکارآمدی‌های بازار آزاد در تخصیص منابع به نوآوری تأکید دارد - تا پارادایم سیستم نوآوری - که بر تقویت تعاملات اکوسیستمی تمرکز دارد - و نظریه دولت کارآفرین - که دولت را به‌عنوان خلق‌کننده بازارهای جدید معرفی می‌کند - گسترده شده‌اند. این چارچوب‌های نظری، منطق مداخله دولت را تبیین کرده و به شناسایی عوامل اثرگذار بر اثربخشی سیاست‌ها در سطوح کلان، میانی و خرد (بنگاه) کمک می‌کنند.

بنابراین رابطه دوسویه کارآفرینی فناورانه و اقتصاد دانش بنیان باید در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی به‌عنوان یک اصل بنیادین در نظر گرفته شود. کارآفرینی فناورانه موتور تبدیل دانش به نوآوری و ارزش اقتصادی است و اقتصاد دانش‌بنیان بستر نهادی و فناورانه لازم برای شکوفایی این کارآفرینی را فراهم می‌کند. این چرخه هم‌افزا کلید دستیابی به رشد پایدار، رقابت‌پذیری جهانی و گذار به اقتصادهای هوشمند و پایدار در عصر کنونی است.

نتایج این پژوهش، به طور مستقیم می‌تواند مورد استفاده سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی در نهادهای کلیدی متولی امر علم، فناوری و نوآوری در ایران قرار گیرد. نهادهایی چون معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، صندوق نوآوری و شکوفایی، پارک‌های علم و فناوری، و مراکز رشد و نوآوری می‌توانند از

یافته‌ها و الگوی پیشنهادی این رساله برای بازنگری در سیاست‌های جاری، طراحی برنامه‌های جدید، بهبود فرآیندهای اجرایی، و ارزیابی دقیق‌تر نتایج اقدامات خود بهره‌مند شوند. ارائه یک چارچوب تحلیلی شفاف و مبتنی بر شواهد، به این نهادها کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه‌تر و مبتنی بر داده اتخاذ نمایند. علاوه بر این، جامعه علمی و پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه سیاست‌گذاری نوآوری، اقتصاد دانش‌بنیان، و مدیریت کارآفرینی در ایران نیز از یک چارچوب مفهومی جدید، تحلیل‌های عمیق، و یافته‌های تجربی به‌روز این رساله بهره‌مند خواهند شد و این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات آتی و عمیق‌تر در این حوزه باشد.

در مجموع، این پژوهش با پرداختن به یک مسئله محوری و چندلایه در یکی از حساس‌ترین و راهبردی‌ترین حوزه‌های توسعه کشور، نه تنها به دنبال پاسخ به یک کنجکاوی علمی، بلکه در پی ارائه راهکارهایی عملی برای بهبود آینده اقتصادی و فناورانه ایران است. این اهمیت چندوجهی، انجام این تحقیق را به یک ضرورت انکارناپذیر تبدیل می‌کند.

این شرکت‌ها با تبدیل دانش به ثروت، ایجاد ارزش افزوده بالا از طریق نوآوری، و توسعه فناوری‌های بومی، نقش بی‌بدیلی در افزایش بهره‌وری ملی، تنوع‌بخشی به اقتصاد، کاهش آسیب‌پذیری در برابر تکانه‌های خارجی، و ایجاد اشتغال پایدار و تخصصی برای نسل جوان و تحصیل‌کرده کشور ایفا می‌کنند. با این حال، تحقق کامل این پتانسیل عظیم، مستلزم وجود یک نظام حمایتی دولتی هوشمند، کارآمد و پاسخگو است. این پژوهش، با هدف ارائه الگویی برای بهبود این سیاست‌های حمایتی، به دنبال پاسخ به این نیاز بوده و در تلاش است تا با شناسایی دقیق عوامل مؤثر، به سیاست‌گذاران در جهت افزایش سهم واقعی اقتصاد دانش‌بنیان در تولید ناخالص داخلی (GDP) و دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار و درون‌زا یاری رساند. بنابراین، نتایج این تحقیق در کمک به ترسیم نقشه راهی برای حمایت مؤثرتر از این بازیگران کلیدی اقتصاد آینده ایران نهفته است.

با وجود رعایت دقت در روش‌شناختی پژوهش، برخی محدودیتها اجتناب‌ناپذیر بوده‌اند:

محدودیت در دسترسی به برخی خبرگان سیاست‌گذاری به‌دلیل حساسیت‌های سازمانی یا محدودیت زمانی.

احتمال سوگیری در پاسخ‌های مصاحبه‌شونده‌ها به‌دلیل موقعیت شغلی یا دیدگاه‌های نهادی.

محدودیت در تعمیم کامل یافته‌های کیفی به کل جامعه شرکت‌های دانش‌بنیان، به‌دلیل نمونه‌گیری هدفمند.

منابع

اکبری, زهرا. (۱۴۰۳). مروری بر وضعیت نوآوری و شاخص خروجی‌های خلاق در ایران؛ بر اساس گزارش جهانی نوآوری (GII) در سال ۲۰۲۴. اندیشکده حکمروایی فرهنگی و صنایع خلاق (حرف)، منتشرشده در تاریخ ۱۱ مهر ۱۴۰۳ (۲ اکتبر ۲۰۲۴)

اعرابی، احسان و رضوی، سید هادی،۱۴۰۳،مروری بر نقش شرکت های دانش بنیان و فناور بر توسعه کارآفرینی،پانزدهمین کنفرانس بین المللی حسابداری، مدیریت و نوآوری در کسب و کار،تهران،https://civilica.com/doc/2185530

پناهی، حسن، مطیعی، هادی، و پناهی، علی. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر سیاست‌های حمایتی بر قصد کارآفرینی دانشجویان. آموزش و مدیریت کارآفرینی، ۲(۱)، ۴۱-۵۸.

حاجی رحیمی, محمود . (۱۴۰۳). بررسی عوامل مؤثر بر توسعهٔ اقتصاد دانش‌بنیان در ایران. اقتصاد کشاورزی و روستایی, ۲(۱), ۱-۱۶. doi: 10.30490/etr.2024.130727

خاقانی، محمد وحید و یدالهی فارسی، جهانگیر و سجادی، سید مجتبی،۱۴۰۴،طراحی و تبیین مدل اکوسیستم کارآفرینی دیجیتال. فصلنامه مدیریت پویا و تحلیل کسب و کار، دوره: ۴، شماره: ۱.

شجاعی، سید محمدحسین و همکاران. (۱۴۰۰). ارزیابی اثربخشی سیاست‌های حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران. سیاست‌گذاری عمومی, ۷(۱), ۳۱-۵۸. .

فیضی، یاسر، سعیدی، حمید ، طاهری کیا، فریز و لطفی زاده، فرشته. (۱۴۰۴). ارائه مدل توانمندسازهای شکل‌گیری اکوسیستم دانش بنیان. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۱۸(۱)، ۱-۲۷. Add doi: 10.22059/jed.2025.387756.654471 to Citavi project by DOI

کشاورز، سهیلا ، یعقوبی، نورمحمد و دقتی، عادله . (۱۴۰۱). ارائه الگویی جامع برای موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان: تبیین ابعاد موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان با استفاده از روش فراترکیب. مجلس و راهبرد، ۲۹(۱۰۹)، ۵۵-۸۵. doi: 10.22034/mr.2021.4381.4317

Acs, Z. J., Stam, E., Audretsch, D. B., & O'Connor, A. (2017). The lineages of the entrepreneurial ecosystem approach. Small Business Economics, 49(1), 1-10.

Audretsch, D. B., & Keilbach, M. (2007). The theory of knowledge spillover entrepreneurship. Journal of Management Studies, 44(7), 1242–1254.

Barney, J. (1991). Firm resources and sustained competitive advantage. Journal of Management, 17(1), 99–120.

Cumming, D., & Vismara, S. (2017). Governmental support for entrepreneurial finance. In D. Cumming & S. Vismara (Eds.), Oxford Handbook of Entrepreneurial Finance. Oxford University Press.

Cohen, W. M., & Levinthal, D. A. (1990). Absorptive capacity: A new perspective on learning and innovation. Administrative Science Quarterly, 35(1), 128–152.

Deloitte. (2024). Technology, Media, and Telecommunications (TMT) Predictions 2024. Deloitte.

DiMaggio, P. J., & Powell, W. W. (1983). The iron cage revisited: Institutional isomorphism and collective rationality in organizational fields. American Sociological Review, 48(2), 147–160.

Dees, J. G. (1998, September). The meaning of social entrepreneurship. Center for the Advancement of Social Entrepreneurship, Fuqua School of Business, Duke University.

Etzkowitz, H., & Leydesdorff, L. (2000). The dynamics of innovation: From national systems and "Mode 2" to a Triple Helix of university–industry–government relations. Research Policy, 29(2), 109–123.

GEM. (2024). Global Entrepreneurship Monitor 2023/2024 Global Report: Adapting to a New Normal. Global Entrepreneurship Research Association

. Granovetter, M. S. (1973). The strength of weak ties. American Journal of Sociology, 78(6), 1360–1380.

Isenberg, D. J. (2011). The entrepreneurship ecosystem strategy as a new paradigm for economic policy: Principles for cultivating entrepreneurship. Babson Entrepreneurship Ecosystem Project, Babson College.

Löfsten, H. (2024). Policies for Scaling Up Technology-Based Firms. Annals of Science and Technology Policy, 8(3), 212–299. https://doi.org/10.1561/110.00000029

McClelland, D. C. (1961). The achieving society. Van Nostrand.

Mazzucato, M. (2013). The entrepreneurial state: Debunking public vs. private sector myths. Anthem Press.

Miller, D. (1983). The correlates of entrepreneurship in three types of firms. Management Science, 29(7), 770–791.

Nambisan, S. (2017). Digital entrepreneurship: Toward a digital technology perspective of entrepreneurship. Entrepreneurship Theory and Practice, 41(6), 1029–1055.

OECD. (2023). OECD Reviews of Innovation Policy: [Selected Country, if available and relevant for comparative study]. OECD Publishing.

Prasannath, V., Adhikari, R.P., Gronum, S. et al. Impact of government support policies on entrepreneurial orientation and SME performance. Int Entrep Manag J 20, 1533–1595 (2024). https://doi.org/10.1007/s11365-024-00993-3

Startup Genome. (2024). Global Startup Ecosystem Report 2024. Startup Genome.

Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). The promise of entrepreneurship as a field of research. Academy of Management Review, 25(1), 217–226.

Startup Genome. (2025). The global startup ecosystem report 2025. https://startupgenome.com/report/gser2025/introduction

Sarasvathy, S. D. (2001). Causation and effectuation: Toward a theoretical shift from economic inevitability to entrepreneurial contingency. Academy of Management Review, 26(2), 243–263.

Satalkina, L., & Steiner, G. (2020). Digital entrepreneurship and its role in innovation systems: A systematic literature review as a basis for future research avenues for sustainable transitions. Sustainability, 12(7), 2764. https://doi.org/10.3390/su12072764.

Vlasova, V., Boiko, K., & Kuznetsova, T. (2024). Overcoming internal and external barriers for companies' innovation development. Foresight and STI Governance, 18(2), 85-96. https://doi.org/10.17323/2500-2597.2024.2.85.96

World Bank. (2023). The Brazil of the Future: Towards Productivity, Inclusion, and Sustainability. Washington, DC: World Bank Group.

World Intellectual Property Organization. (2023). World Intellectual Property Indicators 2023 (WIPO Publication No. 4678). Geneva: WIPO. Retrieved from https://www.wipo.int/publications/en/details.jsp?id=4678

Wahab, S. A., et al. (2024). Enhancing Business Incubator Performances from Knowledge-Based Perspectives. Sustainability,16(15), 6303.

WIPO. (2023). Global Innovation Index 2023: Innovation in the face of uncertainty. World Intellectual Property Organization.

Zuniga, P. (2024). The Impact and Effectiveness of Innovation Policy: Evidence from Middle-Income.